

DOI: 10.30495/jss.2022.1964532.1483

Research Paper

Sociological analysis of environmental protection behavior

Sadegh Salhi

Associate Professor, Department of Sociology, University of Mazandaran

Loghman Emamghli

Assistant Professor of Sociology Department of Kurdistan University (Corresponding Author).

E-mail: lugman.1360@uok.ac.ir

Ahmad Rezaei

Associate Professor, Department of Sociology, University of Mazandaran.

Asrin Fazi

Graduated from the Master's course, Environmental Engineering, University of Kurdistan.

The aim of the current research is to analyze the sociological behavior of environmental protection in the two cities of Sanandaj and Sulaymaniyah. The importance of the environment both in the regional and national dimensions and in the international dimension has brought the necessity of scientific attention to various factors, especially the role of human factors in destroying or preserving the environment. Therefore, comparing the similarities and differences of environmental behaviors and the factors affecting them can lead to a better understanding of the status of environmental protection behaviors. This research was conducted as a survey and the statistical population included 382 residents of the cities of Sanandaj in Iran and Sulaymaniyah in Iraq, who were selected as a sample using cluster sampling. The instrument to gather the data is a questionnaire that the reliability of its questions has been evaluated using Cronbach's alpha coefficient. According to this, hypotheses were raised about behavioral differences, facilities and conditions, self-efficacy, attitude and environmental knowledge of these two cities. The results of the research regarding the similarities between the two regions can be referred to their perception of the ability to influence the environmental consequences. Residents of Sanandaj and Sulaymaniyah cities have equal self-efficacy in the degree of influence on environmental protection behavior. Also, the differences between the residents of the cities of Sanandaj and Sulaymaniyah in terms of environmental protection behaviors are in two forms. The first form is due to the low facilities and conditions for environmental protection behavior in Sulaymaniyah compared to Sanandaj. The second figure refers to being responsible for the behavior of environmental protection, bio-centeredness of the environmental attitude and understanding and evaluation of the environment of the residents of Sulaymaniyah city in the direction of environmental protection compared to the residents of Sanandaj city.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Environmental Sociology, Environmental Protection Behavior, Sanandaj, Sulaymaniyah, Survey.*

تحلیل جامعه‌شناسی رفتار حفاظت از محیط زیست

صادق صالحی^۱

لقمان امامقلی^۲

احمد رضائی^۳

اسرین فیضی^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل جامعه‌شناسی رفتار حفاظت از محیط زیست در دو شهر سنندج و سلیمانیه است. اهمیت محیط زیست چه در ابعاد منطقه‌ای و ملی و چه در بعد بین‌المللی ضرورت توجه علمی به عوامل مختلف به ویژه نقش عوامل انسانی در تخریب یا حفظ محیط زیست را به همراه داشته است. بنابراین مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های رفتارهای محیط زیستی و عوامل موثر بر آن می‌تواند به شناخت بهتر از وضعیت رفتارهای حفاظت از محیط زیست منجر شود. این پژوهش به صورت پیمایش انجام شده است و جامعه آماری شامل ۳۸۲ از ساکنین شهرهای سنندج در کشور ایران و سلیمانیه در کشور عراق بوده که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. پایایی سؤالات آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شده است. با توجه به این امر، فرضیه‌هایی حول تفاوت‌های رفتاری، امکانات و شرایط، خودکارآمدی، نگرش و دانش محیط زیستی این دو شهر مطرح شد. نتایج پژوهش در خصوص شباهت‌ها بین دو منطقه می‌توان به ادراک آن‌ها نسبت به توانایی تأثیر بر پیامدهای محیط زیستی اشاره کرد. ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه دارای خودکارآمدی برابری در میزان تأثیر بر رفتار حفاظت از محیط زیست هستند. همچنین، تفاوت‌های موجود بین ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه از نظر رفتارهای حفاظت از محیط زیست به دو شکل است، شکل اول، به پایین بودن امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست در سلیمانیه نسبت به سنندج بر می‌گردد. شکل دوم به مسئولانه بودن به رفتار حفاظت از محیط زیست، زیست محورانه بودن نگرش محیط زیستی و درک و ارزیابی محیط زیستی ساکنین شهر سلیمانیه در جهت حفاظت از محیط زیست نسبت به ساکنین شهر سنندج اشاره دارد.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی محیط زیست، رفتار حفاظت از محیط زیست، سنندج، سلیمانیه، پیمایش.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران.

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران.

۴. دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد، مهندسی محیط زیست، دانشگاه کردستان.

بیان مسئله

تعامل انسان با محیط زیست منجر به شکل‌گیری مسائل محیط‌زیستی گردیده است (۱۹: ۱۰). مسائل محیط زیستی نظیر نازک شدن لایه اوزن، جنگل‌زدایی، بحران غذا (۳۰: ۱). ازدیاد جمعیت، بالا رفتن سطح زندگی و افزایش تقاضای مردم (۶: ۱۰-۳)، کنش‌های غیر مسئولانه انسان‌ها (۳۴: ۸)، تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع زیستی و فرسایش خاک (۱۲: ۱۵)، بیش از پیش، نظام‌های حیات بخش کره زمین را تحت فشار قرار داده است و هر روز دامنه فشار بر محیط زیست گسترده‌تر می‌شود. به همین علت، در دهه‌های اخیر موضوع حفاظت از محیط زیست در کانون توجه جامعه جهانی قرار گرفته و افکار عمومی جهان را به طرز نگران‌کننده‌ای به خود معطوف کرده و حساسیت شدیدی نسبت به محیط زیست در سطح جهانی به وجود آورده است (۳۷: ۹۳).

حفاظت از محیط زیست، تلاش برای بهبود کیفیت محیط زیست و رهیافت اکولوژیک (زیست بوم-شناختی) به زندگی، اندیشه‌های متعلق به قرن نوزدهم بود که مدت‌های زیادی تنها برای نخبگان روشنفکران کشورهای توسعه یافته مطرح بوده است (۱۱: ۱۵۹). اما ریشه‌های آن در تاریخ زندگی جمعی انسان و جامعه قرار دارد. تمامی جوامع بشری مجبور به پرداختن به محیط زیست بودند، زیرا محیط نه تنها منابع ضروری حیات آن‌ها را تامین می‌کرد، بلکه کانون ستیز و تهدید برای ادامه حیات نیز بوده است (۹: ۶۲۸). با این وجود، اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که به واسطه درک پیامدهای بلند مدت موضوعات محیط زیستی در زندگی انسان‌ها، اهمیت بحث در مورد حفاظت از محیط زیست رو به فزونی گذاشت (۱۰: ۱).

رفتارهایی که انسان در قبال محیط زیست انجام داده و تغییراتی که در محیط زیست ایجاد می‌کند، از قبیل تخریب جنگل برای ایجاد جاده و سدسازی، تغییر مسیر رودخانه، ریختن زباله در محیط طبیعی، مصرف زیاد انرژی، استفاده بیش از حد از منابع طبیعی و ... عمده یا سهواً تخریب محیط زیست را به همراه دارد. چنین شکلی از تعامل منجر به طرح این سوال خواهد شد: آیا محیط زیست می‌تواند در مقابل چنین رفتارهای دوام بیاورد؟ روز به روز به این آگاهی افزوده می‌شود که همانند گذشته نمی‌توان به مصرف منابع طبیعی پرداخت و این نگرش که محیط طبیعی می‌تواند پاسخگویی تمام نیازهای انسان باشد با چالش جدی مواجه شده است. بنابراین، یکی از راهکارهای برای حفاظت از محیط زیست، تغییر رفتار انسان به سمت و سوی ابعاد طبیعت‌گرایانه است (۲۷: ۱). به همین جهت، حفاظت از محیط زیست، تلاش برای بهبود کیفیت محیط طبیعی و سبک‌های زندگی محیط زیستی، به مرور وارد عرصه عمومی زندگی انسان‌ها شده است. شناخت این نوع رفتارها و تحلیل عوامل موثر بر آن می‌تواند شناختی مهمی در جهت گسترش و توسعه رفتارهای حفاظت از محیط زیست را به دست دهد.

مخاطرات محیط زیستی مردم کشورهای توسعه نیافته را بیشتر تهدید می‌کند، چراکه وجود شرایط نامطلوب داخلی هم‌چون افزایش بی‌رویه جمعیت، رشد نامتوازن شهری و آسیب‌ها و مسائل متعدد شهری

این کشورها را از اقدام جدی جهت حفاظت از محیط زیست باز می‌دارد. مناطق مورد مطالعه (شهرهای سنندج و سلیمانیه) از چنین امری مستثنی نیستند. رشد و گسترش غیر اصولی و برنامه‌ریزی نشده شهرهای سنندج و سلیمانیه در دهه اخیر منجر شد این شهرها به کانونی از مسائل محیط زیستی تبدیل شوند. افزایش جمعیت شهری، گسترش فضای زندگی، مصرف انرژی زیاد، آلودگی صوتی، میزان بالای تولید پسماند و فاضلاب و وضعیت نامطلوب منابع طبیعی همگی نشانه‌های از وجود مخاطرات جدی محیط زیستی در این دو شهر است. کنترل و رهایی از بحران‌های محیط زیستی نیازمند شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های رفتارهای حفاظت از محیط زیست دو شهر سنندج و سلیمانیه است.

بنابراین، مطالعه رفتارهای حفاظت از محیط زیست شهر سنندج و سلیمانیه با دو هدف انجام می‌گیرد که این اهداف ناشی از ماهیت مقایسه است. هدف اول، شناخت نقاط اشتراک در مورد مطالعه است. هدف دوم، یافتن نقاط اختلاف در مورد مطالعه است. بر این اساس، سعی می‌شود شهرهای سنندج و سلیمانیه که دارای اشتراکات فرهنگی زیادی در عین حال دارای ساختار سیاسی و جامعه‌پذیری متفاوتی هستند، مورد مطالعه قرار گرفته و تفاوت‌ها و شباهت‌های رفتارهای حفاظت از محیط زیست و نگرش‌ها و دانش محیط زیستی و خودکارآمدی و در نهایت امکانات و شرایط برای انجام کنش محیط زیستی شناسایی شود.

در نهایت، با توجه به مطالب فوق، تحقیق حاضر در پی شناخت عوامل موثر بر رفتار حفاظت از محیط زیست در هر دو شهر سنندج و سلیمانیه است. برای پرداختن به هدف اساسی فوق، پنج فرضیه مطرح می‌شود:

- بین رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد.
- بین امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد.
- بین خودکارآمدی رفتار محیط زیستی ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد.
- بین دانش محیط زیستی ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد.

پیشینه تحقیقات

تحقیقات نزدیک با موضوع که در ایران صورت گرفته به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول، تحقیقات کمی که به بررسی عوامل مؤثر بر حفاظت از محیط زیست پرداختند، نظیر جعفری‌نیا (۱۴۰۰)، با بررسی رابطه کنش‌های اجتماعی با دانش محیط زیستی به این نتیجه رسیده‌اند که کنش اجتماعی با دانش اجتماعی ارتباط دارد (۲۰). شاوون و همکاران (۱۴۰۰)، با بررسی تمایل به مشارکت در حفاظت از محیط زیست و عوامل مؤثر بر آن به این نتیجه رسیدند که مشارکت در حفاظت از محیط زیست متأثر از دانش محیط زیستی، اخلاق محیط زیستی، نوع نگرش نسبت به محیط زیست و آموزش رسانه‌ای است (۲۶).

نتایج تحقیق افضل‌خانی (۱۳۹۸)، حاکی از تاثیر آموزش محیط زیستی بر نگرش‌ها و رفتارهای حفاظت از محیط زیستی دانش‌آموزان است (۲). سبزه‌ای و همکاران (۱۳۹۵)، با بررسی رابطه بین آگاهی، نگرش و رفتار حفاظت از محیط زیست به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهای آگاهی محیط زیستی، نگرش محیط زیستی، تمایل به رفتار محیط زیستی با رفتار حفاظت از محیط زیست رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۳۱). ادومی (۱۳۹۵)، با بررسی عوامل فرهنگی موثر بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط زیست به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای محیط زیستی موثر هستند (۱). صالحی و امامقلی (۱۳۹۱)، با بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و حفاظت از محیط زیست به این نتیجه رسیدند که با افزایش اعتماد اجتماعی رفتار حفاظت از محیط زیست مسئولانه‌تر می‌شود (۳۲). رفیعی و امیرنژاد (۱۳۸۸)، با مقایسه دو گروه (کسانی که آموزش دیده‌اند و کسانی که آموزش ندیده‌اند) به این نتیجه رسیدند که آموزش بر تمایل افراد به حفاظت از محیط زیست تأثیر مثبت و مستقیم دارد به گونه‌ای که با افزایش آموزش افراد به حفاظت از محیط زیست تمایل بیشتری داشتند. دسته دوم، تحقیقات کیفی که به بررسی اهمیت عواملی پرداخته‌اند که می‌توانند به افکار عمومی در جهت حفاظت از محیط زیست شکل دهند (۲۸). نظیر رشیدی و رشیدی (۱۳۹۰)، به اهمیت نقش رسانه‌ها در حفاظت از محیط زیست و تاثیر آن‌ها در رفتار مردم پرداختند. بر اساس نتایج به دست آمده به هر میزان یک جامعه از آموزش بیشتری در خصوص حفاظت از محیط زیست برخوردار باشد هزینه‌هایش، منطقی و معقول و به طور نسبی کمتر خواهد بود. رسانه‌ها این وظیفه را دارند که درباره ماهیت و دامنه مسائل محیط زیستی اطلاعات پایه‌ای را در اختیار مردم و مدیران بگذارند و برای برانگیختن احساس مسئولیت در آن‌ها به عنوان شهروندان جامعه، اقدام کنند (۲۹). هم‌چنین، محمودی و ویسی (۱۳۸۴)، به اهمیت ترویج آموزش محیط زیست بر حفاظت از محیط زیست پرداختند. بر اساس نتایج، توجه به آموزش و ترویج حفاظت از محیط زیست در سطوح دانشگاهی به عنوان نقطه شروع ضمن این که می‌تواند در پر کردن خلاء آموزش مفید باشد، قادر است افرادی را با تخصص‌ها و مهارت‌های لازم برای توسعه دانش و آگاهی‌های محیط زیستی تربیت کند (۲۵).

لیندسی^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، با مطالعه روابط بین نگرش‌های محیط زیستی، کارآیی محیط زیستی با رفتار حامی محیط زیستی در ۱۱ کشور به این نتیجه رسیدند که متغیر نگرش محیط زیستی یک پیش‌بینی کننده قوی برای رفتار حامی محیط زیست محسوب می‌شود و اثر باورهای کارآمدی محیط زیستی ناچیز و جزئی است اما یک تعدیل کننده رفتاری محسوب می‌شود (۲۴). لی^۲ و همکاران (۲۰۱۹)، با بررسی عوامل موثر بر ارزش‌های حفاظت از محیط زیست در چین به این نتیجه رسیده‌اند که تنها در صورت مشارکت آگاهانه و بسترسازی برای مشارکت مردمی، می‌توان از مخاطرات و معضلات محیط

¹. Lindsay

². Li

زیستی پیشگیری کرد و به حفظ و حیات محیط زیست امیدوار بود(۲۳). ژانگ و چان^۱(۲۰۱۸)، با مطالعه مشارکت در حفاظت از محیط زیست به این نتیجه رسیدند که رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در مشارکت عمومی و ارتقا آگاهی محیط زیستی مردم دارند و می‌توانند به مثابه یک ابزار فشار برای کنترل مخاطرات محیط زیستی توسط دولت عمل کنند(۳۸). نتایج تحقیق کانودر^۲ و همکاران(۲۰۱۸)، نشان داد که گرایش به سیاست‌های حفاظت از محیط زیست می‌تواند قوانین الزام‌آور را با توجه به صفات روانی-عقلانی شهروندان تنظیم کند(۲۲). بلیکی پژوهشی با عنوان "جهان‌بینی محیط زیستی و رفتارهای مسئولانه محیط زیستی" انجام داده که این پژوهش به مطالعه تغییر نگرش‌ها و رفتارهای محیط زیستی در استرالیا در بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ پرداخته است. نتایج نشان داد که بیشترین تعهد به جهان‌بینی محیط زیستی در بین نسل میانسال یافت می‌شود، نسل جوان‌تر موضعی میانه و نسل سالخورده‌تر پایین‌ترین سطح تعهد را داشتند. دانشجویان در مقایسه با عموم مردم، از نظر جهان‌بینی محیط زیستی امتیاز بالاتری نمی‌گیرند. این یافته‌ها پرسش‌هایی درباره نقش تحصیلات دانشگاهی در ایجاد سطوح بالاتری از تعهد و رفتار محیط زیستی پیش می‌کشد. زنان در همه سنین فقط به میزان اندکی بیش از مردان به ارزش‌های محیط زیستی پای‌بند هستند(۸).

مبانی نظری

جامعه‌شناسان محیط زیستی در برابر این سؤال که اساساً چه عواملی باعث تغییر رفتار محیط زیستی به سمت حفاظت از محیط زیست می‌شود، پاسخ‌های متفاوتی دادند. قدیمی‌ترین و ساده‌ترین مدل حامی رفتار محیط زیست مبتنی بر یک پیشرفت خطی بود. در این مدل دانش محیط زیستی منجر می‌شد به دغدغه محیط زیستی (نگرش‌های محیط زیستی) و آن هم به نوبه خود تصور می‌شد که به رفتار حامی محیط زیست منجر شود. در این مدل عقل‌گرایانه فرض می‌شد که آموزش مردم نسبت به مسایل و مشکلات محیط زیستی باعث رفتار حامی محیط زیست می‌شود که برگس^۳ و همکاران(۱۹۹۸)، آن را مدل (اطلاعات) شناخت و کنش عمومی نامیدند.

به نظر می‌رسد، امروزه در ارتباط با حفاظت از محیط زیست، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان محیط زیستی، تصور می‌کنند که با افزایش دانش محیط زیستی، می‌توان کنش مسئولانه محیط زیستی را در بین افراد ایجاد کرد. بر این اساس، فعالیت‌های آموزشی نسبتاً گسترده‌ای در سطح ملی صورت می‌پذیرد. از اوایل دهه ۱۹۷۰ ثابت شد که مدل خطی دانش - نگرش - رفتار اشتباه است. تحقیقات نشان دادند که در بسیاری از موارد دانش و آگاهی به رفتار حامی محیط زیست منجر نمی‌شوند(۱۶) و (۳۶) و (۳۳) و

¹. Zhang & Chen

². Kauder

³. BURGESS

(۱۵). به عبارت دیگر بین دانش و رفتار یک شکافی وجود دارد. بسیاری از محققان تلاش نمودند تا این شکاف را تبیین نمایند.

آیزن و فیش‌باین^۱ در نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده^۲ به مسئله شکاف بین دانش و رفتار پرداختند. آن‌ها خاطر نشان می‌سازند که برای یافتن یک همبستگی بالا میان نگرش و رفتار، محقق می‌بایست نگرش نسبت به رفتار خاص را اندازه‌گیری نماید. اندازه‌گیری محدود و هدف‌مندتر نگرش باعث همبستگی بیشتر می‌شود. هم‌چنین، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده نیت شخص را از انجام دادن و یا ندادن یک کنش به عنوان بعد مهم و ضروری رفتار، نشان می‌دهد. بر اساس این نظریه، نگرش‌ها علاوه بر ارزیابی پیامدهای خاص (عمل)، برآوردی از احتمال این پیامدها (نیت) را نیز شامل می‌شوند. علاوه بر این، در این دیدگاه داشتن آگاهی و شناخت واقعی، از پیش‌شرط‌های ضروری برای هر نگرش است (۲۱). آیزن و درایور^۳ (۱۹۹۲)، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده را در مواردی که رفتار شخص با یک کنترل اجتماعی مواجه می‌شود، با عنوان تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده^۴ بسط دادند. این نظریه بیان می‌کند که محرک رفتار شخص که به وسیله گرایش رفتاری، حمایت اجتماعی و کنترل رفتار درک شده به وجود می‌آید، رفتار فرد را مشخص می‌کند (۳). به طور کلی، تئوری TRA بیان می‌کند که رفتار افراد تابعی از نگرش افراد و هنجارهای درونی آن‌هاست (۱۸). و تئوری TPB بیان می‌کند که رفتار افراد، علاوه بر نگرش افراد و هنجارهای درونی تابعی از کنترل ادراکی رفتار نیز است (۳). تئوری آیزن و فیش‌باین، نافذترین مدل نگرش - رفتار در روان‌شناسی اجتماعی بوده است. احتمالاً به این دلیل که آن‌ها یک مدل ریاضی را توسعه دادند. اگر چه این مدل قطعاً دارای محدودیت‌هایی (مثلاً این پیش‌فرض که افراد معقولانه رفتار می‌کنند) است (۳۶). ولی به خاطر شفافیت و سادگی‌اش مفید می‌باشد.

فی اتکو و کسل^۵ (۱۹۸۱) برای عبور از محدودیت‌های مدل خطی دانش - نگرش - رفتار و هم‌چنین محدودیت‌های مدل آیزن و فیش‌باین، علاوه بر عوامل روان‌شناختی از عوامل جامعه‌شناختی نیز در بررسی و تحلیل رفتارهای محیط زیستی استفاده کردند که مدل آن‌ها تحت عنوان مدل جامعه‌شناختی رفتار حامی محیط زیست مورد استفاده قرار گرفت (۱۷). مدل آن‌ها از ترکیبی متغیرهای است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم روی رفتار حامی محیط زیست تأثیر می‌گذارند. این متغیرها مستقل از یکدیگر بوده و می‌توانند تحت تأثیر همدیگر قرار گرفته و تغییر یابند.

^۱. AJZEN & FISHBEIN

^۲. The Theory of Planned Behaviour

^۳. Driver

^۴. Theory Planned Behaviour

^۵. FIETKAU & KESSEL

امکانات و شرایط برای رفتار محیط زیستی

این امکانات عوامل بیرونی، فراساختاری و اقتصادی هستند که افراد را قادر می‌سازند که رفتارهای افراد نسبت به محیط زیست مسئولانه شود یا مانع آن می‌شوند. بسیاری از رفتارهای محیط زیستی تنها زمانی بروز پیدا می‌کنند که زیرساخت‌های لازم فراهم شده باشد. ضعف بودن بعضی از سرویس‌ها و خدمات موجب می‌شود افراد کمتر از آن‌ها استفاده کنند. این زیرساختی (مثل کمبود حمل و نقل عمومی، نبود سطل زباله مناسب در سطح شهر) می‌تواند بر رفتار محیط زیستی افراد غلبه کنند.

نگرش محیط زیستی و انگیزه‌های محیط زیستی: این عوامل بیشتر درونی می‌باشند که می‌تواند باعث تقویت و حمایت رفتار محیط زیستی گردند. نگرش‌ها را می‌توان گونه‌ای از سیستم‌های پیچیده و منظم عقیدتی دانست که انسان‌ها را به طور ذاتی آماده انجام واکنش‌های رفتاری خاص می‌نماید و تمامی ابعاد رفتار بشر را تحت تاثیر قرار می‌دهد (۳۲). آرکری^۱ و همکاران (۱۹۹۰)، معتقدند که هر جامعه‌ای یک پارادایم اجتماعی غالب دارد که بر اساس تجربه بنا شده و در ارزش‌ها تجلی می‌یابد و به رفتار واقعی مرتبط است. مشخصه پارادایم اجتماعی غالب که در طی قرن‌های متعدد در جامعه غربی رشد یافته است، پارادایم معافیت بشر است (۴). در این پارادایم، انسان‌ها معاف از قوانین طبیعت در نظر گرفته می‌شوند و در واقع، بر جهان طبیعی حکم می‌رانند. امروزه، نگرش رشد نامحدود انسان و اقتصاد پذیرفته شده است. با توجه به تاریخ توسعه‌طلبی، پیشرفت تکنولوژیکی و بالا رفتن استانداردهای زندگی در جامعه غربی در طی این دوره، می‌توان علت رشد این جهان بینی را درک کرد. دانلپ و ون لیر^۲ (۱۹۷۸)، می‌گویند که پارادایم معافیت بشر چنان نافذ و فراگیر است که بر روند تحقیق و تئوری اجتماعی تأثیر گذاشته است و همین باعث شده که تأثیر محیط طبیعی بر رفتار انسان و سازمان اجتماعی تا همین اواخر مورد غفلت واقع شود (۱۳). نگرش جدید محیط زیستی اولین بار توسط دانلپ و ون لیر مطرح شده است که انتقال از تئوری اجتماعی مسلط^۳ (که اولویتش بر رشد اقتصادی قرار دارد) به تئوری محیط زیستی (که حافظ ارزش‌های محیط زیستی می‌باشد) را مورد توجه قرار داده است (۱۴). به نظر می‌رسد این اندیشه توانست محدودیت‌های رشد را تشخیص دهد به صورت یک نگرش محیط زیستی جدید در تفکرات محیط زیستی مطرح شود. این نگرش بر اهمیت تعادل طبیعت و عدم غلبه انسان بر طبیعت متمرکز است (۴).

ادراک فرد نسبت به رفتار محیط زیستی یا خودکارآمدی رفتار محیط زیستی: طبق پژوهش‌های صورت گرفته خودکارآمدی درجه‌ای از احساس تسلط فرد در توانایی‌اش برای انجام فعالیت خاصی (در این جا رفتار حفاظت از محیط زیست) است. این متغیر به نقش اعتماد و اطمینان و عزت نفس فرد نسبت به توانایی‌هایش در انجام رفتار خواسته شده از وی تاکید دارد (۵). درک فرد از توانایی خود تعیین می‌کند که افراد تا چه اندازه برای فعالیت‌های خود، انرژی صرف می‌کنند و تا چه میزان در برابر موانع مقاومت

¹. Arcury

². Van Liere

³. Dominant Social Paradigm

می‌کند. به طور کلی، هنگامی که افراد بر این باور باشند که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام کار یا فعالیتی را دارند، برای انجام آن زمان بیشتری را خواهند گذاشت و در نهایت نتایج بهتری را کسب خواهند کرد. به عنوان مثال، فردی که دارای خودکارآمدی محیط زیستی کمتری است احتمال انجام کنش‌ها و رفتارهای محیط زیستی این فرد کاهش پیدا می‌کند، چون فکر می‌کند که رفتار وی تأثیری بر محیط زیست نخواهد داشت. در مقابل، کسی که دارای خودکارآمدی بیشتری است در انجام رفتار محیط زیستی امیدوارتر است و رفتارهای وی در جهت حفاظت از محیط زیست خواهد بود.

دانش محیط زیستی

رامزی اهمیت دانش محیط زیستی را مورد توجه قرار داده و معتقد است که فعالیت جنبش‌های اجتماعی به صورت عام و سازمان‌های محیط زیستی مردم- نهاد به صورت خاص، بر این اساس بنا شده‌اند که آگاهی و دانش عمومی موجب حمایت از محیط زیست می‌شود (۳۴). رابین^۱ از جمله محققانی است که نقش برجسته‌ای برای دانش محیط زیستی قایل بوده و معتقد است که یک دانش همگانی و گسترده در مورد مفاهیم زیستی و بوم‌شناختی در مرکز تعریف، احیا و حفظ کیفیت محیط زیست وجود دارد (۳۴). گامبرو و سویتزکی^۲ نیز دانش محیط زیستی را به عنوان توانایی فرد در درک و ارزیابی اثر جامعه روی اکوسیستم تعریف نموده و خاطر نشان می‌کنند که دانش محیط زیستی، خود را در قالب درک مسایل محیط زیستی و منشاء آن، و پیامدهای احتمالی نشان می‌دهد (۳۳). یکی از پیش‌فرض‌های اساسی در مطالعات محیط زیست این است که بسیاری از مشکلات محیط زیستی را می‌توان با افزایش دانش عمومی در مورد محیط زیست بر طرف نمود (۳۴). به عبارت دیگر، اعتقاد بر این است که دانش محیط زیستی، کلید حل بسیاری از مشکلات محیط زیستی می‌باشد. به اعتقاد بار^۳ دانش مناسب، تأثیرات ملموسی روی رفتار خواهد داشت (۷). با این وجود نتایج بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در ایران نظیر صالحی و امامقلی، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ و صالحی و امامقلی (۱۳۹۲)، تأثیر مستقیم دانش محیط زیستی بر رفتار محیط زیستی افراد یا ضعیف است و یا دارای اثری مثبت و مستقیم نیست (۳۵). هم‌چنین، در مدل فی اتکو، دانش مستقیماً روی رفتار تأثیر نمی‌گذارد، ولی به عنوان تعدیل‌کننده نگرش و ارزش عمل می‌کند. بر این اساس، می‌تواند فرض نمود که دانش محیط زیستی می‌تواند به طور غیر مستقیم بر رفتار حفاظت از محیط زیست تأثیر داشته باشد.

با توجه به محدودیت‌های مدل خطی و مدل روان‌شناختی آیزن و فیش بین، در این پژوهش برای شناخت عوامل موثر بر رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهر سنندج در ایران و شهر سلیمانیه در

^۱. Rubin

^۲. Gambero & Sweetskey

^۳. Barr

عراق و مقایسه آن‌ها با هم، از مدل فی اتکو و کسل (۱۹۸۱)، تحت عنوان مدل جامعه‌شناختی تحلیل رفتار حامی محیط زیست استفاده می‌شود.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش‌های توصیفی و تحلیلی از نوع پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را افراد ساکن در شهرهای سنندج و سلیمانیه تشکیل می‌دهند و حجم نمونه با استفاده از فرمول منطقی کوکران برابر با ۳۸۲ نفر برآورده شده که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، به عنوان نمونه انتخاب شدند. بر این اساس، در هر شهر از میان محلات (خوشه‌ها) چند محله به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند. همچنین، از هر محله متناسب با تعداد ساختمان آن محله، نمونه‌ها به صورت کاملاً تصادفی از بین خانوارهای هر محله انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. پایایی^۱ سئوالات آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۲ ارزیابی شده که مقدار محاسبه شده برای متغیر وابسته رفتار حفاظت از محیط زیست (۰/۷۵۶) و برای متغیرهای مستقل، امکانات و شرایط برای کنش حفاظت از محیط زیست (۰/۸۵۳)، نگرش محیط زیستی (۰/۸۷۶)، خودکارآمدی رفتار محیط زیستی (۰/۷۳۳) و دانش محیط زیستی (۰/۸۲۵) است که تأیید کننده قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار سنجش می‌باشد. اعتبار^۳ سئوالات نیز از طریق اعتبار صوری^۴ مورد تأیید قرار گرفته است. بدین صورت که از نظر متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه موضوع مورد پژوهش در مورد انطباق پرسشنامه با ویژگی‌های مورد انتظار استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم در این تحقیق از روش میدانی استفاده شده است. بدین منظور، در زمستان سال ۱۴۰۰ با مراجعه به جامعه آماری و انتخاب تصادفی منظم واحدهای نمونه به واسطه تکمیل پرسشنامه، داده‌ها و اطلاعات لازم را جمع‌آوری نموده‌اند. برای انجام تجزیه و تحلیل و به کارگیری روش‌های آماری ابتدا داده‌ها در نرم افزار آماری علوم اجتماعی^۵ (SPSS) پردازش گردید، سپس تحلیل داده‌ها متناسب با سطح سنجش متغیرها انجام گرفت. قبل از ارائه یافته‌ها و نتایج، هر یک از مفاهیم اصلی و مهم تحقیق به شرح زیر تعریف می‌گردد.

الف) رفتار حفاظت از محیط زیست: رفتار حفاظت از محیط زیست، مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای حفاظت از محیط زیست را شامل می‌شود (۲۶). به لحاظ تعریف عملی، در پژوهش حاضر رفتار حفاظت از محیط زیست، نمره‌ای است که پاسخگویان در پاسخ به پنج سوال دریافت می‌کنند. این گویه‌ها در پرسشنامه در قالب طیف لیکرت مطرح شده است.

1. Reliability

2. Cronbach's Alpha Coefficient

3. Validity

4. Face Validity

5. Sciences Statistical Package for the Social

جدول شماره (۱): گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ رفتار حفاظت از محیط زیست

	در کوچه و خیابان زباله می‌یزم
	با اطرافیان در مورد اهمیت حفظ محیط زیست صحبت می‌کنم
۰/۷۵۶	در موقع گردش و تفریح در طبیعت زباله‌ها خود را جمع می‌کنم
	تا به حال به این موضوع فکر کرده‌ام که چگونه زباله کمتری تولید کنم
	تا به حال به این موضوع فکر کرده‌ام که رفتارم (در سفر، در پارک‌ها و جنگل و در خانه) می‌تواند محیط زیست را آلوده کند.

ب) امکانات و شرایط برای حفاظت از محیط زیست: همان طور که اشاره شد این متغیر تحت عنوان عوامل بیرونی مطرح است، بسیاری از رفتار حفاظت از محیط زیست تنها در صورتی رخ می‌دهد که زیرساخت‌های لازم فراهم شده باشند. هر چه قدر این خدمات ضعیف‌تر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که افراد از آن‌ها استفاده کنند. بر این اساس، امکانات و شرایط، وسایلی را شامل می‌شوند که در شکل-دهی به رفتار حامی محیط زیست اهمیت زیادی دارند. برای سنجش این متغیر از هفت سؤال استفاده شده است. این سؤال‌ها در پرسشنامه در قالب طیف لیکرت مورد سنجش واقع شده است.

جدول شماره (۲): گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ امکانات و شرایط برای حفاظت از محیط زیست

	سطل‌های زباله مناسب در پارک‌های
	لامپ‌های کم مصرف با کیفیت نور بالا
	دسترسی به مواد غذایی سالم و طبیعی
۰/۸۵۳	سیستم تفکیک زباله
	جمع‌آوری به موقع زباله‌ها توسط مأموران شهرداری
	دسترسی به وسایل نقلیه عمومی مناسب
	مکان‌هایی جهت تحویل زباله‌های تفکیک شده (مثل کاغذ، پلاستیک، شیشه و ...)

ج) نگرش محیط زیستی: منظور از نگرش محیط زیستی مجموعه از احساسات خوشایند و ناخوشایند کلی و عام در مورد محیط زیست است که پاسخگو را وادار به رفتاری در جهت حامی بودن یا نبودن محیط زیست وادار می‌کند. برای عملیاتی کردن آن از پانزده سؤال که چگونگی نگرش پاسخگویان را نسبت به محیط زیست مورد سنجش قرار می‌دهد.

جدول شماره (۳): گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ نگرش محیط زیستی

	ما آخرین ساکنان زمین هستیم که در مقابل مسائل و مشکلات زیست محیطی دنیای جدید دوام می‌آوریم.
	انسان‌ها حق دارند برای برآوردن نیازهایشان محیط زیست طبیعی را تغییر دهند.
	دخل و تصرف انسان در محیط زیست، اغلب نتایج فاجعه باری ایجاد می‌کند.
	نوع انسان ما را مطمئن می‌سازد که زمین به جای غیر قابل زندگی تبدیل نمی‌شود.
	انسان‌ها بیش از حد از محیط زیست سوء استفاده می‌کنند.
	گیاهان و حیوانات به اندازه انسان‌ها حق حیات دارند.
	تعادل طبیعت شدیداً توسط فعالیت‌های کشورهای صنعتی مدرن در حال نابودی است.
۰/۸۷۶	در بیان بحران‌های زیست محیطی اغراق می‌شود.
	منابع موجود در کره زمین بسیار محدود و غیر قابل بازگشت هستند.
	تعادل طبیعت بسیار حساس است و به راحتی از بین می‌رود.
	انسان‌ها جهت بقا، می‌بایست هماهنگ با طبیعت زندگی کنند.
	انسان‌ها حق دارند که محیط طبیعی را طبق نیازهای خودشان دستکاری کنند.
	انسان‌ها برای حفظ و ادامه بقا نیازی به هماهنگی با طبیعت ندارند.
	هدف اولیه از خلقت گیاهان و جانوران استفاده آن‌ها توسط بشر می‌باشد.
	جهت حفظ اقتصاد سالم، نیازمند نوعی توسعه اقتصاد پایدار هستیم که در آن رشد صنعتی کنترل می‌شود.

د) خودکارآمدی رفتار محیط زیستی: در پژوهش حاضر خودکارآمدی رفتار محیط زیستی، توانایی فرد در تأثیر گذاری بر پیامدهای محیط زیستی مدنظر است. یعنی توانایی که فرد با تغییر در رفتار و نگرش و ارزش و دغدغه‌های خویش سبب حفاظت از محیط زیست می‌شود. به منظور عملیاتی کردن این متغیر از یک مقیاس سه سؤال استفاده شد. این سؤال‌ها در پرسشنامه در قالب طیف لیکرت مورد سنجش واقع شده است.

جدول شماره (۴): گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ خودکارآمدی رفتار محیط زیستی

	می‌توانم با تغییر رفتار، به حفظ محیط زیست کمک کنم.
۰/۷۳۳	معتقدم، رفتار حفظ محیط زیست من، روی حل مشکلات محیط زیست کشور تأثیر دارد.
	توصیه و راهنمایی من موجب می‌شود تا اطرافیانم به حفظ محیط زیست بپردازند.

ذ) دانش محیط زیستی: به لحاظ نظری، دانش محیط زیستی، اطلاعات عملی است که افراد درباره محیط زیست و تأثیر کنش‌های انسانی بر روی مصرف انرژی بوم دارند. به لحاظ تعریف عملی، در پژوهش حاضر دانش محیط زیستی، نمره‌ای است که پاسخگو در پاسخ به شش سؤال دریافت می‌کنند.

جدول شماره (۵): گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ دانش محیط زیستی

	زیاله‌های پلاستیکی، زیاله‌های دیر تجزیه‌پذیر هستند.
	شیشه دیرتر از مواد پلاستیکی تجزیه می‌شود.
۰/۸۲۵	کاغذ زیاله دیر تجزیه‌پذیر است.
	در مناطق حفاظت شده از گونه‌های نادر گیاهان و حیوانات حفاظت می‌شود.
	لایه اوزن، لایه‌های زمین را محکم می‌کند و از تابش مستقیم خورشید به زمین جلوگیری می‌ند.
	لایه اوزن، مانع یخبندان می‌شود.

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس و تحصیلات) نشان می‌دهد که ۵۲/۵ درصد از پاسخگویان ساکن شهر سنندج و ۴۷/۵ درصد از آن‌ها ساکن شهر سلیمانیه هستند. از این میان، ۳۸ درصد زن و ۶۲ درصد مرد هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۹ سال و بیشتر آن‌ها دارای مدرک دیپلم هستند.

جدول (۶) میانگین (از پنج) و انحراف معیار شاخص‌های مدل جامعه‌شناختی رفتار حامی محیط زیست را به طور کلی و به تفکیک مناطق کردنشین ایران و عراق، نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶): نتایج شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

منطقه	نمونه کل		شهر سنندج		شهر سلیمانیه	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
شاخص‌ها						
رفتار	۳/۹۰	۰/۷۱	۳/۸۲	۰/۷۰	۳/۹۹	۰/۷۲
امکانات و شرایط	۲/۳۷	۰/۷۳	۲/۵۱	۰/۶۸	۲/۲۱	۰/۷۴
نگرش	۳/۵۲	۰/۵۲	۳/۴۲	۰/۴۷	۳/۶۴	۰/۵۵
خودکارآمدی	۳/۶۲	۰/۹۰	۳/۶۶	۰/۹۱	۳/۵۸	۰/۸۸
دانش	۳/۷۸	۰/۸۶	۳/۶۰	۰/۷۰	۳/۹۸	۰/۷۶

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که میانگین رفتار حفاظت از محیط زیست به نسبت سایر متغیرها بیشتر است. در مقایسه میانگین رفتارهای حفاظت از محیط زیست نشان می‌دهد که میانگین رفتار حفاظت از محیط زیست شهروندان سلیمانیه بیشتر از رفتار حفاظت از محیط زیست شهروندان سنندج می‌باشد. در مقابل، میانگین امکانات و شرایط برای حفاظت از محیط زیست کمترین مقدار را دارا می‌باشد. در مقایسه میانگین این متغیر در میان شهروندان سنندج و سلیمانیه نشان می‌دهد که امکانات و شرایط برای حفاظت از محیط زیست در سلیمانیه دارای میانگین کمتری نسبت به شهر سنندج می‌باشد.

همان طور که قبلاً اشاره شد، در تحقیق حاضر برای مقایسه مدل جامعه‌شناختی رفتار حامی حفاظت محیط زیست در میان ساکنین شهر سنندج و سلیمانیه، پنج فرضیه طرح شد که جدول زیر نتایج آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۷): مقایسه تفاوت میانگین‌های متغیرهای مدل جامعه‌شناختی بر حسب شهر

منطقه	میانگین	مقدار آزمون T	سطح معنی داری
رفتار	سنندج ۳/۸۲ سلیمانیه ۳/۹۹	۲/۴۴۵	۰/۰۱۵
امکانات و شرایط	سنندج ۲/۵۱ سلیمانیه ۲/۲۱	۴/۲۱۱	۰/۰۰۰
نگرش	سنندج ۳/۴۲ سلیمانیه ۳/۶۴	۴/۲۶۰	۰/۰۰۰
خودکارآمدی	سنندج ۳/۶۶ سلیمانیه ۳/۵۸	۰/۹۰۵	۰/۳۶۶
دانش	سنندج ۳/۶۰ سلیمانیه ۳/۹۸	۴/۴۷۲	۰/۰۰۰

نتایج آزمون در رابطه با مقایسه میانگین رفتار حفاظت از محیط زیست بر حسب منطقه نشان می‌دهد که بین رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد. بدین صورت که میانگین رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهر سلیمانیه نسبت به ساکنین شهر سنندج مسئولانه‌تر است. در رابطه با مقایسه میانگین امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست بر حسب منطقه نشان می‌دهد که بین امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد. بدین صورت که میانگین امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهر سنندج نسبت به ساکنین شهر سنندج محاورانه‌تر است. در رابطه با مقایسه میانگین خودکارآمدی رفتار محیط زیستی بر حسب منطقه نشان می‌دهد که بین نگرش ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد. بدین صورت که میانگین نگرش محیط زیستی ساکنین شهر سلیمانیه نسبت به ساکنین شهر سنندج زیست‌محورانه‌تر است. در رابطه با مقایسه میانگین خودکارآمدی رفتار محیط زیستی ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود ندارد. به عبارت دیگر، خودکارآمدی رفتار محیط زیستی آن‌ها در یک سطح و شبیه هم می‌باشد و آن‌ها به یک اندازه معتقدند که می‌توانند بر پیامدهای محیط زیستی تاثیرگذار باشند. در نهایت در رابطه با مقایسه میانگین دانش محیط زیستی بر حسب منطقه نشان می‌دهد که بین دانش محیط زیستی ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد. بدین صورت که میانگین دانش محیط زیستی ساکنین شهر سلیمانیه نسبت به ساکنین شهر سنندج بیشتر است.

تفاوت‌ها و شباهت‌ها حفاظت از محیط زیست ساکنین شهر سنندج و سلیمانیه

همان طور که در توصیف و مقایسه داده‌ها نشان داده شد، شباهت‌ها و تفاوت‌های بین ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه در خصوص حفاظت از محیط زیست وجود دارد. در خصوص شباهت‌ها می‌توان به ادراک آن‌ها نسبت به توانایی تأثیر بر پیامدهای محیط زیستی اشاره کرد. ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه دارای خودکارآمدی برابری در میزان تأثیر بر رفتار حفاظت از محیط زیست هستند. با وجود این شباهت، آیا خودکارآمدی بر رفتار حفاظت از محیط زیست آن‌ها تاثیر دارد؟ جدول زیر تأثیر خودکارآمدی را بر رفتار حفاظت از محیط زیست نشان می‌دهد.

جدول شماره (۸): ضریب همبستگی رگرسیون خودکارآمدی و رفتار حفاظت از محیط زیست

متغیر مستقل	متغیر وابسته	منطقه	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب بتا	سطح معنی‌داری
		سنندج	۰/۲۰۲	۰/۰۴۱	۰/۲۵۶	۰/۰۰۰
خودکارآمدی	رفتار	سلیمانیه	۰/۱۸۷	۰/۰۳۵	۰/۲۱۱	۰/۰۰۰
		کل	۰/۱۹۸	۰/۰۴۰	۰/۲۴۳	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که خودکارآمدی بر رفتار حفاظت از محیط زیست تأثیر مثبت و مستقیمی دارد. به عبارت دیگر، با افزایش درک توانایی فرد نسبت به تأثیر بر پیامدهای محیط زیستی، رفتار حفاظت از محیط زیست مسئولانه‌تر خواهد شد. این وضعیت در هر دو شهر سنندج و سلیمانیه صادق است، با این تفاوت که میزان تأثیرگذاری خودکارآمدی بر رفتار حفاظت از محیط زیست، در میان ساکنین شهر سنندج بیشتر از ساکنین شهر سلیمانیه است.

در کل نتایج حاکی از این است که خودکارآمدی افراد بر رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهر سنندج و سلیمانیه تأثیر دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که افرادی که دارای درکی مطمئن و قابل اعتماد نسبت بر تأثیرگذاری خودشان بر محیط زیست هستند رفتار حفاظت از محیط زیست مسئولانه‌ای دارند و برای حل مشکلات و مسائل محیط زیستی نیز کوشا هستند. در مقابل افرادی که از این ویژگی برخوردار نیستند یعنی دارای سطح خودکارآمدی پایینی هستند در راستای حفاظت از محیط زیست دست به رفتار نخواهند زد و رفتار آن‌ها نه تنها از مشکلات و مسائل محیط زیستی نمی‌کاهد، بلکه بر این مشکلات و مسائل خواهد افزود. زیرا آن‌ها بر این باورند که توانایی تأثیر بر پیامدهای محیط زیستی را ندارند، از این رو امکان فعالیت هدفدار و تلاش برای حفاظت از محیط زیست برای آن‌ها وجود نخواهد داشت.

همچنین، تفاوت‌های موجود بین ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه از نظر رفتارهای حفاظت از محیط زیست به دو شکل است، شکل اول، به پایین بودن امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست در سلیمانیه نسبت به سنندج بر می‌گردد. به دست آمدن این نتیجه با توجه به وضعیت امکانات و

شرایط موجود در سلیمانیه دور از واقعیت نیست. مشاهدات محققین نیز تأیید کننده چنین نتیجه‌ای است. نبود سطل زباله‌های مناسب در سطح شهر و در پارک‌ها، وجود پسماندها و زباله‌های زیاد در سطح شهر، استفاده نکردن از نایلون برای جمع‌آوری زباله خانگی، وجود میزان زیادی از پسماندهای خانگی در حاشیه شهرها و تفکیک نکردن زباله‌ها نمونه‌هایی از نبود امکانات و شرایط مناسب در سلیمانیه برای رفتار حفاظت از محیط زیست است. هر چند که این وضعیت با شدت کمتر نیز در سنندج هم وجود دارد. با وجود این تفاوت، آیا امکانات و شرایط برای رفتار محیط زیستی بر رفتار حفاظت از محیط زیست آن‌ها تأثیر دارد؟ جدول زیر تأثیر امکانات و شرایط برای رفتار محیط زیستی را بر رفتار حفاظت از محیط زیست نشان می‌دهد.

جدول شماره (۹): ضریب همبستگی رگرسیون امکانات و شرایط برای رفتار محیط زیستی و رفتار حفاظت از محیط زیست

متغیر مستقل	متغیر وابسته	منطقه	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب بتا	سطح معنی‌داری
		سنندج	۰/۲۳۳	۰/۰۵۴	۰/۲۹۸	۰/۰۰۰
امکانات و شرایط	رفتار	سلیمانیه	۰/۲۵۶	۰/۰۶۵	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰
		کل	۰/۲۴۹	۰/۰۶۲	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که امکانات و شرایط بر رفتار حفاظت از محیط زیست تأثیر مثبت و مستقیمی دارد. به عبارت دیگر، با افزایش زیرساخت‌های مناسب برای رفتار محیط زیستی، رفتار حفاظت از محیط زیست مسئولانه‌تر خواهد شد. این وضعیت در هر دو شهر سنندج و سلیمانیه صادق است، با این تفاوت که میزان تأثیرگذاری امکانات و شرایط بر رفتار حفاظت از محیط زیست، در میان ساکنین شهر سلیمانیه بیشتر از ساکنین شهر سنندج است. براین اساس هر چند که این زیرساخت‌ها در سلیمانیه کمتر از سنندج است، اما تأثیرگذاری بیشتری نسبت به سنندج دارد. در کل، یافته‌ها تأیید کننده این موضوع است که زیرساخت‌های مناسب جهت ایجاد رفتار حفاظت از محیط زیست از اهمیت زیادی برخوردار است و ضرورت توجه قانون‌گذاران، برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران حوزه محیط زیست به زیرساخت‌ها در سنندج و سلیمانیه بیش از پیش توجیه می‌کند.

شکل دوم به بالا بودن به رفتار حفاظت از محیط زیست، نگرش محیط زیستی و دانش محیط زیستی ساکنین شهر سلیمانیه در جهت حفاظت از محیط زیست نسبت به ساکنین شهر سنندج اشاره دارد. با وجود این تفاوت، آیا نگرش و دانش محیط زیستی بر رفتار حفاظت از محیط زیست آن‌ها تأثیر دارد؟ جدول زیر تأثیر نگرش و دانش محیط زیستی را بر رفتار حفاظت از محیط زیست نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱۰): ضریب همبستگی رگرسیون نگرش و دانش محیط زیستی و رفتار حفاظت از محیط زیست

متغیر مستقل	متغیر وابسته	منطقه	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب بتا	سطح معنی‌داری
		سنندج	۰/۲۲۳	۰/۰۵۰	۰/۳۲۷	۰/۰۰۰
نگرش	رفتار	سلیمانیه	۰/۱۷۷	۰/۰۳۱	۰/۲۳۰	۰/۰۰۰
		کل	۰/۲۱۸	۰/۰۴۷	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰
		سنندج	۰/۲۱۱	۰/۰۴۵	۰/۱۶۲	۰/۰۰۲
دانش	رفتار	سلیمانیه	۰/۲۰۰	۰/۰۴۰	۰/۱۸۹	۰/۰۰۶
		کل	۰/۲۲۵	۰/۰۵۱	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که نگرش‌ها و دانش محیط زیستی بر رفتار حفاظت از محیط زیست تاثیر مثبت و مستقیمی دارد. به عبارت دیگر، با تغییر نگرش‌های محیط زیستی به سمت و سوی نگرش-های زیست‌محورانه (ارزش ذاتی قائل شدن برای محیط زیست) و افزایش دانش محیط زیستی، رفتار حفاظت از محیط زیست مسئولانه‌تر خواهد شد. این وضعیت در هر دو شهر سنندج و سلیمانیه صادق است، با این تفاوت که تاثیر نگرش و دانش محیط زیستی بر رفتار حفاظت از محیط زیست در میان ساکنین شهر سنندج نسبت به ساکنین شهر سلیمانیه بیشتر است. بار (۲۰۰۳)، معتقد است که نگرش مطرح شده توسط دانلپ و کاتون (۱۹۷۸)، دانلپ و ون‌لیر (۱۹۷۹)، و دانلپ و همکاران (۲۰۰۰)، نگرشی است که ارزش‌های زیست‌محور را در برابر ارزش‌های تکنومحور قرار می‌دهد. مطابق با جهان‌بینی زیست‌محور، کسانی که دارای ارزش‌های زیست‌محوری هستند (ارزش ذاتی محیط زیست) تمایل بیشتری به توجه نسبت به محیط زیست (و انجام رفتار مناسب نسبت به محیط زیست) دارند. هم‌چنین، مطابق با جهان‌بینی تکنومحور، تکنولوژی می‌تواند راه‌حلی برای مشکلات محیط زیستی مهیا کند و از این رو کسانی که دارای این جهان‌بینی هستند کمتر مراقب محیط اطراف خود هستند. به نظر می‌رسد که نگرش ساکنین شهر سلیمانیه بیشتر تکنومحورانه باشد. یعنی آن‌ها بیشتر معتقدند که تکنولوژی می‌تواند راه‌حلی برای مشکلات محیط زیستی مهیا کند. هر چند که این وضعیت با شدت کمتر می‌تواند در میان ساکنین شهر سنندج نیز صادق باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، به فهرست بحران‌های جهانی، علاوه بر بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، که تهدیداتی جدی محسوب می‌شوند، مشکلات و بحران‌های محیط زیستی را باید اضافه کرد. علی‌رغم تلاش‌هایی که تا کنون برای حفاظت از محیط زیست صورت گرفته رفع مشکلات در این زمینه نیازمند اقدامی همه‌جانبه و تعاملی دو سویه از سوی ملت (درک توانایی‌ها یا خودکارآمدی و تغییر نگرش محیط زیستی و انجام رفتارهای حفاظت از محیط زیست) و دولت (ایجاد زیرساخت‌ها یا فراهم کردن شرایط و زمینه‌های انجام کنش محیط زیستی و توجه بیشتر به آموزش محیط زیستی در جهت ارتقا دانش محیط

زیستی) می‌باشد، چرا که می‌توان با تأکید بر نقش کلیدی دانش و وجود زیرساخت‌های انجام کنش و نگرش‌های محیط زیستی و ادراک توانایی فرد از عاملیت فردی انتظار داشت جامعه به ساختی عملی‌تر و کاربردی‌تر دست یابد که گامی مهم و مؤثر در جهت انجام کنش‌های حامی محیط زیست خواهد بود.

امروزه خطر فزاینده تخریب محیط زیست و انهدام آن مردم کشورهای در حال توسعه را بیشتر تهدید می‌کند، زیرا وجود شرایط نامطلوب داخلی هم‌چون رشد بی‌رویه مسائل و مشکلات جمعیتی و رشد فزاینده و نابسامانی شهرنشینی این کشورها را از اقدامات جدی و مقابله‌ای همه‌جانبه با مسائل و مشکلات محیط زیستی باز می‌دارد. کشورهای ایران و عراق از این امر مستثنی نیستند. در این میان انتخاب دو شهر از آن دو کشور، (سنندج و سلیمانیه) با توجه به مشترکات فرهنگی اجتماعی و تفاوت‌های ساختاری برای مقایسه وضعیت رفتارهای حفاظت از محیط زیست آن‌ها انتخاب شده‌اند. رشد و گسترش شهرهایی هم‌چون سنندج و سلیمانیه در دو کشور با تفاوت‌ها و شباهت‌های نگرشی، دانشی، کارآمدی، امکانات و رفتاری جنبه‌های مهم حفاظت از محیط زیست از سوی شهروندان آن‌ها را آشکارتر می‌نماید. با توجه به فرضیه‌های مطرح شده در پژوهش می‌توان گفت که بین رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد. بدین صورت که میانگین رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهر سلیمانیه نسبت به ساکنین شهر سنندج مسئولانه‌تر است. نتایج حاصل از این فرضیه با نتیجه پژوهش بلیکی (۱۳۸۹)، و جعفری‌نیا (۱۴۰۰)، همراستا می‌باشد و هر چه قدر کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی در زمینه محیط زیست بیشتر باشد رفتار حفاظت از محیط زیست مسئولانه‌تر است. بین امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد و میانگین امکانات ساکنین شهر سنندج نسبت به ساکنین شهر سلیمانیه بیشتر است. بین نگرش ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد و میانگین نگرش محیط زیستی ساکنین شهر سلیمانیه نسبت به ساکنین شهر سنندج زیست محورانه‌تر است. نتایج این پژوهش با پژوهش صالحی و امامقلی (۱۳۹۲)، همراستا است. هم‌چنین نتایج فرضیه کارآمدی نیز نشان می‌دهد که بین خودکارآمدی رفتار محیط زیستی ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود ندارد. آن‌ها به یک اندازه معتقدند که می‌توانند بر پیامدهای محیط زیستی تأثیرگذار باشند. نتایج این بخش با نتایج پژوهش رشیدی و رشیدی (۱۳۹۰)، همخوانی دارد. هم‌چنین، فرضیه آخر که بین دانش محیط زیستی ساکنین شهرهای سنندج و سلیمانیه تفاوت وجود دارد. نتایج این فرضیه نشان داد که میانگین دانش محیط زیستی ساکنین شهر سلیمانیه نسبت به ساکنین شهر سنندج بیشتر است. این نتایج با نتایج محمودی و ویسی (۱۳۸۴)، همخوانی دارد.

در نهایت می‌توان گفت شباهت‌ها و تفاوت‌های از نظر عوامل مؤثر بر رفتارهای حفاظت از محیط زیست وجود دارد. یکی از شباهت‌های آن‌ها مربوط به درک آن‌ها نسبت به توانایی تأثیر بر پیامدهای محیط زیستی است که در رفتار آن‌ها در سطح معنی‌داری ۰/۰۱۵ بود. هم‌چنین آن‌ها دارای خودکارآمدی

برابری در میزان تأثیر بر رفتار حفاظت از محیط زیست هستند که دارای سطح معنی‌داری ۰/۳۶۶ می‌باشد.

تفاوت بین این دو شهر به دو شکل است. اول، به پایین بودن امکانات و شرایط برای رفتار حفاظت از محیط زیست در سلیمانیه نسبت به سنندج بر می‌گردد. بر اساس مدل نظری رفتارهای حفاظت از محیط زیست زمانی بروز پیدا می‌کنند که زیرساخت‌های لازم برای کنش محیط زیستی مهیا باشد. به دست آمدن این نتیجه نشان دهنده ضعف زیرساخت‌های کنش محیط زیستی در سلیمانیه باشد. در واقعیت با توجه به وضعیت امکانات و شرایط موجود در سلیمانیه دور از واقعیت نیست. مشاهدات محققان نیز تأیید کننده چنین نتیجه‌ای است. نبود سطل زباله‌های مناسب در سطح شهر و در پارک‌ها، وجود پسماندها و زباله‌های زیاد در سطح شهر، استفاده نکردن از نایلون برای جمع‌آوری زباله خانگی، وجود میزان زیادی از پسماندهای خانگی در حاشیه شهرها و تفکیک نکردن زباله‌ها نمونه‌های از نبود امکانات و شرایط مناسب در سلیمانیه برای رفتار حفاظت از محیط زیست است. شکل دوم به بالا بودن به رفتار حفاظت از محیط زیست، نگرش محیط زیستی و دانش محیط زیستی ساکنین شهر سلیمانیه در جهت حفاظت از محیط زیست نسبت به ساکنین شهر سنندج اشاره دارد. بر اساس مدل نظریه پارادایم غالب جامعه سلیمانیه، پارادایم زیست‌محورانه است. به نظر می‌رسد غالب بودن این پارادایم به دلیل اهمیت بیشتر ارزش‌های سنتی و دانش بومی ساکنین شهر سلیمانیه نسبت محیط زیست، هنوز نگرش‌های محیط زیستی در این منطقه به سمت و سوی نگرش‌های تکنومحورانه که ارزش ذاتی برای محیط زیست قایل نیست، تغییر پیدا نکرده است. همچنین، توانایی درک و ارزیابی اثر جامعه بر روی اکوسیستم در بین شهروندان شهر سلیمانیه نسبت به شهر سنندج دارای وضعیت بهتری است. شهروندان شهر سلیمانیه درک و ارزیابی محیط زیستی بهتری نسبت به شهروندان شهر سنندج دارند. به نظر می‌رسد این امر ناشی از دانش بومی شهروندان محیط زیستی نسبت به محیط زیستی باشد که در بین آن‌ها دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. بنابراین برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود که وضعیت دانش بومی در این دو منطقه بررسی و مورد مقایسه قرار گیرد. همچنین، اثرگذاری ارزش‌های سنتی و دینی بر رفتارهای حامی محیط زیست مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Adhami, A. (2016). Investigating the cultural factors affecting the behaviors aimed at protecting the environment studied by the residents of areas 5 and 18 of Tehran, Iran Social Issues Review, Volume. 7, Number. 1, P.p: 1-26. (in Persian).
2. Afzalkhani, M. (2018). Investigating the impact of environmental education on the attitude and behavior of students towards the issue of environmental protection in Garmsar city. Scientific-Research Quarterly of Geography (Regional Planning) Number. 1, Year. 10, P.p: 57-78. (in Persian).
3. Ajzen, I; & Driver, B. L. (1992). Application of the theory of planned behavior to leisure choice. Journal of Leisure Research, 24, P.p: 207- 224.
4. Arcury, A. T. (1990). Environmental Attitude & Environmental Knowledge, Human Organization.49. P.p: 300-304.
5. Bandura, A. & Adams, N. E. (2000). Analysis of self-efficacy theory in behavior change, cognitive theory. Ther & Res, 23 (1), P.p: 287- 310.
6. Bari, C. (2003). Man and Environment, translated by Behzad Dehzad, first edition, Tehran: Moj Sabz Publications. (in Persian).
7. Barr, S. (2003). Strategies for Sustainability: Citizens and Responsible Environmental Behaviour. Area, 35 (3), P.p: 227-240.
8. Blakey N. (2010). Designing Social Researches, translated by Hasan Chavoshian. Tehran: Ney Publishing. (in Persian).
9. Botkin, D. and Edward, K. (2015). Environmental Knowledge, Living Planet Earth, translated by Abdul Hossein Vahabzadeh, Mashhad, University of Mashhad Academic Press, third edition. (in Persian).
10. Budak, B. D; Budak, F; Zaimoglu, Z; Kekeç, S. and Sucu, Y. M. (2005). Behaviour and attitudes of students towards environmental issues of Faculty of Agriculture, Turkey. J. App.Sci., 5 (7), P.p: 1224-1227.
11. Castells, M. (2005). Information age of economy, society and culture, translated by Hasan Chavoshian, New Design Publications, fourth edition. (in Persian).
12. Donella M; Jorgen R; and Dennis, M. (2008). The limitations of growth (updated after thirty years), translated by: Ali Habibi and Farzam Poursasghar Sangachin, publisher of the Higher Institute of Management and Planning Education and Research, Tehran. (in Persian).
13. Dunlap, R. E. & Van Liere, K. D. (1978). The New Environmental Paradigm: A proposed Measuring Instrument and Preliminary Results. Journal of Environmental Education, 9, P.p: 10-19.
14. Dunlap, R. E. & Cotton, W. R. (1979). Environmental Sociology. Annual Review of Sociology, 5, P.p: 243-273.
15. Emamqoli, L. (2013). Society and environment. The third national conference of Iran's natural resources research focusing on the environment. Iran. The University of Kordestan. (in Persian).
16. Emamqoli, L. (2011). Investigating the impact of social capital on environmental behaviors (case study: Kurdistan province), master's thesis, supervisor: Sadegh Salehi, Mazandaran University. (in Persian).
17. Fietkau, H. J. and Kessel, H. (1981). Umweltlernen: veraenderungsmoeglichkeite des umwelbewusstseins. Model- erfahrungen (Koenigstein, Hain).
18. Fishbein, M. & Ajzen, I. (1975). Belief, attitude and behavior: an introduction to theory and research, Reading, MA: Addison Wesley.

19. Intergovernmental Panel on Climate Change [IPCC]. (2018). *Climate Change 2022: Synthesis Report. Contribution of Working Groups I, II and III to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change*. Incheon: IPCC.
20. Jafarina, Gh. (2021). Investigating the relationship between social actions and environmental knowledge (case study: residents of Bushehr city). *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 18 (1), P.p: 287-319. (in Persian).
21. Kairser, F. G. Wolfing, S & Fuhrer, U. (1999). Environmental Attitude and Ecological Behavior. *Journal of Environmental Psychology*. 19, P.p: 1-19.
22. Kauder, B; Potrafke, N. & Ursprung, H. (2018). Behavioral determinants of proclaimed support for environment protection policies. *European Journal of Political Economy*, 54, P.p: 26-41.
23. Li, Qiu; Wang, Bin; Yu, Chaoqing; Chaoqing Yu Deng, Haifeng. (2019). Key Factors Affecting Environmental Protection Values in China, *Sustainability*, 11 (2), P.p: 1-24.
24. Lindsay, B; Miller, Ronald E; Rice, Abel Gustafson, and Matthew H. Goldberg. (2022). Relationships Among Environmental Attitudes, Environmental Efficacy, and Pro-Environmental Behaviors Across and Within 11 Countries. *Environment and Behavior*. Vol. 54 (7-8), P.p: 1063– 1096.
25. Mahmoudi, H; and Veisi, H. (2005). Environmental promotion and education, an approach in basic environmental protection. *Journal of Environmental Sciences Year 8 No. 2*, P.p: 57-64. (in Persian).
26. Qolizadeh, S. S. F; Nowrozi, Faiz E. and Dehghan, H. (2021). Willingness to participate in environmental protection and factors affecting it (case study: Tehran citizens born in the 80s and 50s). *Urban sociological studies*. 11th year Number. 40, P: 206. (in Persian).
27. Quimbita & Pavel. (2005). Assessing On Environmental Attitude Development Model: Factor Influencing the Environmental Attitude of College Student". <https://catalogue.nla.gov.au/Record/5593261>.
28. Rafiei, H; Amirnejad, H. (2008). Investigating the role of education in increasing people's willingness to protect the environment (case study: Caspian Sea). *Environmental Sciences, Year 7, Issue 1*, P.p: 95-108. (in Persian).
29. Rashidi, A, R, and Rashidi M. (2018). Investigating the role of media in protecting the environment and their impact on the behavior of people and managers from the perspective of the formation of consumer culture, *Cultural Engineering Monthly*, No. 55 – 56, P.p: 31-43. (in Persian).
30. Redclift, M. and Benton, T. (1994). *Social Theory and the Global Environment (Global Environmental Change Series)*, First published by Routledge.
31. Sabzei, M; and Qolipour, S; and Adine Vand, M. (2015). Investigating the relationship between awareness, attitude and pro-environmental behavior of female students of Qom University. *Environmental education and sustainable development*, 4 (4), P.p: 5-16. (in Persian).
32. Salehi, S. & Imamogholi, L. (2012). Social trust and environmental protection behavior among young people (case study: urban areas of Kurdistan province). *Iranian social issues review magazine*. Third year, Number. 2, P.p: 171-198.
33. Salehi, S. (2008). *A Study of Factors Underpinning Environmental Attitudes and Behaviours*, Ph. D. The University of Leeds.
34. Salehi, S. (2010). *People and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behaviour in Iran*. LAP Lambert Academic Publishing.

-
35. Salehi, S. (2012). Investigation of the role of modern cultural factors in the modification of the electricity consumption pattern, research project of the electricity distribution company of Mazandaran province. (in Persian).
 36. Salehi, S. and Emamoghli, L. (2012). Energy consumption management strategies, 28th International Electricity Conference, Tehran. (in Persian).
 37. Salehi, S. and Emamqoli, L. (2012). Cultural capital and environmental attitudes and behaviors of a case study of Kurdistan province, Quarterly Journal of Cultural and Communication Studies, University of Tehran, 8th year, No. 28. P.p: 20-91. (in Persian).
 38. Zhang, Tong. Chen, Chaofan. (2018). The Effect of Public Participation on Environmental Governance in China– Based on the Analysis of Pollutants Emissions Employing a Provincial Quantification, sustainability,10 (7), P.p: 1-20.